

«نحوالقلوب»، رساله‌ای در تأویل اصطلاحات عرفانی ابوالقاسم قشیری (۳۷۶ - ۴۶۵ ه.ق)

علی محمد پشت‌دار^۱

پیش‌گفتار

در گسترهٔ ادب و عرفان ایران، کمتر کسی پیدا می‌شود که «ابوالقاسم قشیری» را شناسد. ابوالقاسم قشیری (۳۷۶ - ۴۶۵ ه.ق) از جمله بزرگانی است که در گنجینهٔ ادب و عرفان اسلامی، آثار متنوعی از خود بر جا گذاشته است. «وی از عالمان و محدثان نامور عصر خود بود و علاوه بر کلام و حدیث، در تفسیر قرآن، خاصه به مذاق صوفیه - به روش ابوعبدالرحمن سلمی - دستی قوی داشت. فقه نیکو می‌دانست و به زبان عربی شعر می‌گفت و کاتب و دبیری و پرمایه و واعظی زبان‌آور بود».^۲

۱. نحوالقلوب (= نحو القلب)

از جمله آثار قلمی استاد قشیری، کتابی به ظاهر مختصر با عنوان «نحوالقلوب» است که در نوع خود، تألیفی است ابتکاری و جهانی است از معنا و مضمون. استاد فروزانفر این کتاب را چنین معرفی کرده‌اند: «نحوالقلوب، کتابی است مختصر در ذکر قواعد نحو عربی و تطبیق آن‌ها بر نکات عرفانی با عبارتی ملیح و شیوا و مختصر که گاهی به مناسبت، اشعاری نیز آورده است. عنوان هر قاعدهٔ نحوی، لفظ «فصل» است و نکته با تعبیر «الاشاره» شروع می‌شود و مجموعاً ۶۱ قاعده است، ولی گاه در ذیل بعضی قواعد، به اشاره

۱. استادیار دانشگاه پیام نور - تهران

۲. قشیری، ابوالقاسم، ترجمهٔ رسالهٔ قشیری، تصحیح فروزانفر، تهران: علمی و فرهنگی، دوم ۱۳۶۱.

اكتفا نكرده و دو يا سه نكته ذكر نموده است. از اين كتاب يك نسخه خطی نزد نگارنده و نسخه‌ای هم در كتابخانه مجلس شورای ملی موجود است... ظاهراً مقصود قشیری از تألیف آن كتاب این بوده است که طالبان معرفت از همان آغاز که تحصیل قواعد زبان را شروع می‌کنند، فی‌الجمله به لطائف تصوف آشنا گردند و مرحله به مرحله پیش بروند، و گرنه بر هر خردمندی روشن است که اصول و مبانی زبان، ربطی به تصوف ندارد و این تأویلات، جز خیالی بیش نتواند بود»^۱.

استاد شفیع کد کنی قصد استاد قشیری را از تألیف این اثر، چیز دیگری دانسته، می‌نویسد:
«قشیری یک دوره مباحث علم نحو زبان عرب را با حالات درونی انسان و تجارب روحانی صوفیه بر مبنای مفاهیم و مصطلحات تصوف خراسان، انطباق داده است.

محو می‌باید نه نحو اینجا بدان‌گر تو محوی
بی خطر در آب ران (مثنوی ۱/۱۷۵)

قشیری در این رساله، کوشیده است، تمام مسائل اساسی «نحو» زبان عرب را پایه و اساس تفسیر و تأویل خویش قرار دهد و از هر کدام از این مسائل، گوشه‌ای از اندیشه‌های عرفانی را استخراج و بازگو کند»^۲.

گزارش چگونگی تهیه و تصحیح نسخه‌های خطی «نحوالقولوب»

۱. نسخه‌ی اساس که مرحوم فروزانفر در بالا به آن اشاره کردند، اکنون در بخش نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، در مجموعه میکروفیلم به شماره ۲۸۸۷ به تاریخ ۱۳۴۴/۶/۲۰ ش نگهداری می‌شود. تاریخ تحریر این نسخه ۱۲۹۳ ه. ق است.^۳

۲. نسخه‌ی دوم که استاد فروزانفر یاد کرده‌اند، در کتابخانه مجلس شورای ملی، در مجموعه‌ای به شماره ۵۶۰۸ است. این اثر در فهرست نسخه‌های خطی مجلس شورای ملی چنین معرفی شده است: «نحوالقولوب (ص ۱۰۶ - ۷۲ دفتر)، = نحوالقولوب از ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن قشیری نیشابوری در تصوف به ترتیب کتاب‌های نحو صدر رساله نحوالقولوب قشیری. نسخه حاضر ناقص و تا اواسط بحث تمیز است».^۴

نگارنده پس از مراجعه حضوری به کتابخانه مجلس، دریافت که این نسخه ناقص است و زحمت تهیه آن را بر خود هموار نکرد.

۳. نسخه سوم، نسخه چاپی با مشخصات زیر است:
قشیری، ابوالقاسم، نحوالقولوب الکبیر، به تصحیح و تعلیق دکتر ابراهیم بسیونی و دکتر احمد علم‌الدین الجندی، قاهره: عالم‌الفکر، اول، ۱۴۱۴ ه / ۱۹۹۴ م، ۴۸۲، صفحه، قطع وزیری، شومیز. آنچه باعث شد که نگارنده کار تصحیح و مقابله را ادامه بدهد، این بود که اول دانسته شد نسخه استاد فروزانفر جزو نسخه‌های

۱. همان، ص ۶۴ - ۵۶.

۲. محمدخانی، علی‌اصغر، نامه شهیدی، تهران: طرح‌نو، اول، ۱۳۷۴، ص ۴۳۰.

۳. دانش پژوه، محمدتقی، فهرست میکروفیلم‌های دانشگاه تهران، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران، اول، ۱۳۴۸.

۴. حائری، عبدالحسین، فهرست نسخه‌های خطی مجلس شورای ملی، ج ۱۷، ص ۶۴.

نحوالقولوب، رساله‌ای در تأویل اصطلاحات عرفانی ابوالقاسم قشیری / علی محمد پشت‌دار

محل رجوع محققان مصری نبوده و احتمالاً ایشان از وجود چنین نسخه‌ای در دانشگاه تهران بی‌خبر بوده‌اند، زیرا در مقدمه خود اشاره‌ای بدان نکرده‌اند و دوم آنکه قصد نگارنده پس از ارائه متنی نسبتاً منقح، ترجمه این اثر به زبان فارسی بود که تاکنون به انجام نرسیده است. اکنون با تصحیح متن و مقابله نسخه منحصر به فرد استاد فروزانفر با متن تصحیح شده توسط محققان مصری (نحوالقولوب الکبیر) و ترجمه آن، متنی نسبتاً پاکیزه در اختیار دوستداران ادب و عرفان قرار گرفته است.^۱

۳. درباره نسخه چاپی قاهره

مصححان محترم این چاپ - دکتر ابراهیم بسیونی، استاد دانشگاه عین الشمس و دکتر احمد علم الدین الجندی، استاد دانشکده علوم در دانشگاه قاهره - تحقیق خود را به شرح زیر ترتیب داده‌اند:
- در بخش نخست، اصل متن کتاب همراه اختلاف نسخه‌ها آمده است.

- در بخش دوم، شرح و بسط مباحث عرفانی (= تأویلی) بر طبق عقاید صوفیه و به خصوص نظرات شخص ابوالقاسم قشیری به استناد دیگر آثارش به طور مفصل آمده است؛ از جمله لطایف الاشارات و ترتیب السلوک فی طریق الله که به کوشش ابراهیم بسیونی در مصر تصحیح و چاپ شده است؛ همچنین متن عربی رساله قشیری و دیگر آثار مهم صوفیه؛ مانند طبقات الصوفیه از ابوعبدالرحمن سلمی، رساله التعرف ابوبکر کلابادی، اللع فی التصوف ابونصر سراج و دیگر کتب ادبی و تاریخی، شرح مفصلی بر این کتاب به ظاهر موجز، افزوده‌اند.

۳-۲. نسخه‌های خطی اساس چاپ قاهره:

۱. نسخه «ط» متعلق به کتابخانه «طلعت» در ترکیه، بی تا.
۲. نسخه «ب» متعلق به کتابخانه «خرانجی اوغلو زاده» به شماره ۱۰۹. حرف «ب» رمز «بورصه»، نام روستایی در کنار دریای سیاه در ترکیه است. بی تا.
۳. نسخه «ت» متعلق به کشور تونس است که از همه نسخه‌ها واضح تر است، بی تا.
۴. نسخه «ک» متعلق به کتابخانه اسکندریه در مصر، بی تا.
۵. نسخه «س» متعلق به کشور سوریه که به سال «۷۰۸ هـ شعبان المبارک» تحریر شده است. از میان پنج نسخه یاد شده، نسخه «س» با نسخه استاد فروزانفر که در این چاپ با علامت اختصاری «فر» معرفی شده، بیشترین شباهت را دارد. ممکن است نسخه آقای فروزانفر که به سال ۱۲۹۳ هـ تحریر یافته، از روی نسخه یا نسخه‌های مشترک این نسخه استنساخ شده باشد. والله اعلم.

۱. قشیری، ابوالقاسم، *نحوالقولوب* (رساله‌ای در تأویل اصطلاحات عرفانی، تصحیح و ترجمه حسن ابوطالبی و علی محمد پشت‌دار، تهران: فرهنگ صبا، اول، ۱۳۸۴).

نحوالقولوب، رساله‌ای در تأویل اصطلاحات عرفانی ابوالقاسم قشیری/ علی محمد پشت‌دار

۴. چند نکته درباره‌ی نحوالقولوب الکبیر و نحوالقولوب الصغیر

مؤلف کتاب - ابوالقاسم قشیری - در هر فصل پس از بیان نکات نحو ظاهری (= زبانی)، با عنوان «الاشاره»، به تأویل و تفسیر نکات عرفانی و صوفیانه می‌پردازد. به همین دلیل نام این کتاب را «نحوالقولوب» و در مواردی «نحوالقلب» نامیده است.

در این مقاله به منظور بیان و معرفی این شیوه از گفتار صوفیانه، مختصری از آثار تأویلی و رمزگرا یاد شده است.

لازم به یادآوری است که از استاد ابوالقاسم قشیری، گویا اثر دیگری به نام نحوالقولوب الصغیر به جا مانده که حجم اندکی دارد. برخی کتاب شناسان در گوشه و کنار ممالک اسلامی، از نسخه‌های آن نام برده‌اند. «علاوه بر بروکلن صاحب کشف الظنون و مفتاح السعاده و طبقات الشافعیه به این کتاب اشاره کرده‌اند.»^۱ «در کتابخانه «باب الخلق»، نوشته‌ای در پنج برگ پیدا شده که مؤلف و ناسخ آن ناشناخته است، اما با کمی دقت معلوم شده که مربوط به تأویلات امام قشیری است. درباره‌ی مباحث نحو ظاهری و تطبیق با نحو تصوف و مقارنه میان ظواهر نحو و مسایل قلبی.»^۲ ممکن است استاد قشیری ابتدا این وجیزه را نگاشته و بعدها در فراغت بیشتر، آن را با تفصیل بیشتر به «نحوالقولوب الکبیر» تبدیل کرده است.

لازم است یادآوری شود که نسخه‌ی استاد فروزانفر صفت «الکبیر» ندارد و استاد در مقدمه‌ی رساله‌ی قشیری به زیر عنوان «آثار و مؤلفات قشیری»، هر دو کتاب نحوالقولوب و نحوالقولوب الکبیر را یکی دانسته است؛ این نظر صائب است، اما نکته اینجاست که استاد فروزانفر به نحوالقولوب الصغیر اشاره نکرده‌اند. ممکن است ایشان از وجود نسخه‌های نحوالقولوب الصغیر مطلع نبوده‌اند.

۵. نحوالقولوب الصغیر، اثری مستقل

آقای دکتر احمد علم‌الدین الجندی که از تصحیح کنندگان نحوالقولوب الکبیر است، از روی نسخه‌های خطی متعددی که از نحوالقولوب الصغیر به دست آورده، به سال ۱۳۹۷ هـ / ۱۹۷۷ م آن را تصحیح و به زیور طبع آراسته است.

در مقدمه‌ی نحوالقولوب الکبیر چاپ قاهره، در معرفی نسخه‌های نحوالقولوب الصغیر چنین آمده است: «۱. نسخه‌ی کتابخانه‌ی احمد تیمور به شماره ۱۹۶، تصوف، ۱۲ صفحه، ۱۳ سطری، ناسخ: محمد بن حسن الشابی التونسی.

۲. نسخه‌ی کتابخانه‌ی طلعت به شماره ۲۴۲ که میکروفیلم آن در دارالکتب مصر به شماره ۹۶۵۵ از صفحه

۱. قشیری، ابوالقاسم، نحوالقولوب الکبیر، تحقیق و شرح ابراهیم سیونی و احمد علم‌الدین الجندی، قاهره، علم‌الفکر،

اول، ۱۴۱۴ هـ / ۱۹۹۴ م، ص ۲۶.

۲. همان، ص ۲۶.

۱۷ تا ۲۲ است و به خط حسین رضا وزیر در آخر ربیع الآخر سال ۱۳۱۹ ه و هر صفحه ده سطرى تحرير شده و به رسم الخط فارسى است. این اثر در مجموعه‌ای به نام علیه الآداب آمده و شامل دو رساله است، یکی نحوالقلوب الصغیر و دیگری رساله‌ای است در لغت، از مؤلفی ناشناخته.

۳. نسخه خطی که جدیداً تحریر شده و در دارالکتب مصر به شماره ۲۴۴۵۵، به قطع ۲۰۰ × ۱۴۵ در شش صفحه و هر صفحه پنج سطر عنوان با مداد قرمز نوشته شده و ناسخ آن «محمود الجبالی» است.

۴. نسخه خطی دیگر از ناسخ شماره قبلی محمود الجبالی است که بر کاغذ زرد و با مداد سیاه تحریر شده است و تاریخ سوم رمضان ۱۳۴۴ ه، موافق با ۱۷ مارس ۱۹۲۶ م. را دارد و شماره ندارد.

۵. نسخه خطی دیگر در کتابخانه «عارف حکمت» در مدینه منوره به شماره ۲۶ محفوظ است و در سه ورق، در ضمن مجموعه‌ای خطی با خط نسخ زیبا و مذهب آمده است.^۱

همان‌طور که گفته شد، آقای دکتر احمد علم‌الدین جندی، این اثر را از روی نسخه‌های یاد شده در تونس به چاپ رسانده است.

برای نمونه، آغاز نسخه خطی دارالکتب باب الخلق چنین است:

«بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله الذى أودع الحكمة أهلها، و علم آدم الأسماء كلها...»^۲

۶. نکته دیگری که نگارنده در ضمن مطالعه کشف المحجوب هجویری متوجه شد، این است که آقای دکتر قاسم انصاری در مقدمه این اثر، ضمن بر شمردن آثار ابوعلی عثمان الجلابی معروف به هجویری به کتابی با عنوان نحوالقلوب بدین گونه اشاره کرده‌اند: «نحوالقلوب (در یکی از نسخه بدل‌ها، بحرالقلوب، است) از قرائن پیداست که کتاب را در اصطلاحات صوفیه تألیف کرده است و خود مؤلف در صفحه ۳۳۳ متن کشف المحجوب - به سعی و اهتمام ژوکوفسکی - چنین گفته است: «و من اندرین معنی در حال بدایت کتابی ساخته‌ام و مر آن را کتاب البیان الاهل العیان نام نهاده و اندر نحوالقلوب در باب جمع فصولی مشبع بگفته، اکنون مرخفت را بدین مقدار بسنده کردم».^۳

استاد محترم، جناب دکتر انصاری، در باب تشابه نام این اثر با موضوع گفتار ما که تألیف ابوالقاسم قشیری است، اشاره‌ای نکرده‌اند و البته محققان مصری سابق الذکر نیز به این کتاب از هجویری با همین نام (نحوالقلوب) اشاره‌ای نکرده‌اند. شاید مورد و مدخلیتی نداشته است.

استاد کدکنی در مورد صحت انتساب این اثر به ابوالقاسم قشیری، در مقاله یاد شده آورده است «مسلم است که قشیری رساله‌ای به نام نحوالقلوب داشته است، به تصریح سبکی (طبقات شافعیه: ۱۵۹/۵) و حاجی خلیفه (كشف الظنون: ۱۹۳۵/۲)؛ ... اما آغاز نسخه‌ای که ما در اختیار داریم، (= نسخه فروزانفر) با

۱. همان، ص ۲۷ و ۲۸.

۲. همان، ص ۲۶ و ۲۷.

۳. جلابی هجویری، ابوعلی عثمان، کشف المحجوب، تصحیح را لتین ژوکوفسکی، مقدمه قاسم انصاری، تهران: طهوری، اول، ۱۳۵۸، ص ۱۸.

نحوالقولوب، رساله‌ای در تأویل اصطلاحات عرفانی ابوالقاسم قشیری/ علی محمد پشت‌دار

نسخه‌ای که در اختیار حاجی خلیفه بوده، متفاوت است؛ آغاز نسخه حاج خلیفه این است: " .. اوله: الحمدالله الذی اودع الحکمه اهلها و علم آدم الاسماء کلها".^۱

استاد کدکنی دو احتمال داده‌اند؛ یکی اینکه «ممکن است این تفاوت از تصرف کاتبان بوده باشد، دیگر اینکه به تصریح سبکی، قشیری دو کتاب با عنوان نحوالقولوب داشته؛ یکی نحوالقولوب الصغیر و دیگری نحوالقولوب الکبیر و احتمال اینکه تفاوت خطبه‌ها مربوط به این دو اثر باشد، بسیار زیاد است»^۲

احتمال دوم استاد کدکنی قریب به یقین است، چه بر اساس تحقیق دکتر احمد علم‌الدین جندی که چندین نسخه از کتاب نحوالقولوب الصغیر را به ما معرفی کرده و آن را در تونس به چاپ رسانده، از نسخه دارالکتب باب الخلق آغاز نحوالقولوب الصغیر را عیناً مانند حاجی خلیفه نقل کرده است و این سندی در اثبات احتمال قریب به یقین استاد کدکنی است که حاج خلیفه نسخه‌ای از نحوالقولوب الصغیر را در اختیار داشته، نه نحوالقولوب الکبیر.

استاد کدکنی به اشتباه نویسنده^۳ مقدمه کشف المحجوب که نحوالقولوب را به استناد جمله‌ای از متن کشف المحجوب (ص ۳۳۳) از تألیفات هجویری دانسته، اشاره کرده‌اند و ضمن نقل عین عبارت هجویری درباره جمع و تفرقه، آن را «خطایی کوچک از شخصی بزرگ» تلقی کرده‌اند. «و اندر نحوالقولوب، در باب جمع، فصولی مشبع بگفته». استاد کدکنی فاعل «گفته» را مؤلف کتاب نحوالقولوب، یعنی «قشیری» دانسته و گفته‌اند «به هیچ وجه از آن عبارت چنین مفهومی به دست نمی‌آید که «من بگفته‌ام»، به خصوص که نسخه بدل‌های عبارت در همان صفحه [در این مورد بدلی را ذکر نکرده است]. بی‌گمان منظور هجویری از نحوالقولوب، همین نسخه مورد بحث ماست و «فصولی مشبع» که در باب جمع بدان اشارت می‌کند، همان است که در این کتاب تحت چندین عنوان مطرح گردیده است»^۴.

یادآوری می‌شود که بحث جمع در کتاب نحوالقولوب فقط در «فصل ۱۱، اعراب جمع مذکر سالم، اشاره [صاحب جمع] آمده و «تحت چندین عنوان» نیست^۵

شبهه دیگری که استاد کدکنی در رد انتساب نحوالقولوب به استاد امام قشیری آورده، آن است که «باب ۵۷ از کتاب مصباح الشریعه، منسوب به امام صادق (ع) است که تقریباً عبارات و مفاهیمی همانند نحوالقولوب قشیری دارد»^۶. استاد کدکنی ضمن مقایسه عبارات هر دو اثر، نتیجه گرفته‌اند «اگر صحت انتساب این

۱. محمد خانی، ص ۴۳۱.

۲. همان، ص ۴۳۱. ۴۳۲.

۳. نویسنده مقدمه کشف المحجوب به تصحیح ژوکوفسکی چاپ کتابخانه طهوری، آقای قاسم انصاری است که استاد کدکنی احتمالاً به اشتباه او را ژوکوفسکی نام برده است. شاید دکتر انصاری مقدمه ژوکوفسکی را ترجمه کرده است، البته نشانی از ترجمه در این مقدمه نیست. ر. ک: خان، ص ۴۳۲.

۴. همان، ص ۴۳۲ و ۴۳۳.

۵. قشیری، نحوالقولوب، ص ۶۶ و ۶۷.

۶. محمد خانی، ص ۴۳۳ و ۴۳۴.

کتاب به امام صادق مسلم شود - که البته بسیار دشوار بلکه مُحال است - در آن صورت باید گفت که قشیری ساختار کتاب خویش را از این فصل کتاب مصباح الشریعه الهام گرفته است و اگر این انتساب ثابت نشود، می‌توان گفت آن فصل از کتاب مصباح الشریعه را از روی نحوالقلوب قشیری یا کتابی نظیر آن فراهم آورده‌اند، بگذریم.^۱

۷. برخی از مشخصات نسخه استاد فروزانفر

مشخصات نسخه مجموعه ش ۲۸۸۷، چنین است: خط نسخ و نستعلیق، صفحات ۱۵ سطری، عناوین مطالب با حروف درشت و ۱۴ برگ. آغاز: بعد از بسمله. الحمدلله رب العالمین و صلواته علی نبینا محمد وآله و صحبه اجمعین قال الاستاذ الامام زین الاسلام ناصر السنه و ناصح الامه ابوالقاسم عبدالکریم ابن هوازن القشیری رحمه الله علیه رحمه واسعه. النحو فی اللغه هو القصد یقال نحوه ای قصدت قصده... فنحو القلب القصدالی حمید القول بالقلب و هو مخاطبه الرب بلسان اللب. انجام الاشاره: الانسان لجمله مخصوصه لها بینة مشهوره فمن كان صفاته و خصاله و صنیعه فجمعه جمع القلیل و من كانت خصاله شریفه فجمعه جمع الكثير، و باختلاف احكامه اختلاف مقدره و مقامه و الله اعلم بالصواب و الیه المرجع والمآب قدا تفتق الفراغ من تسوید هذه الرساله فی أحد و عشرون من شهر الشوال المکرم سنه ثلثه و تسعون و مأتا بعد الألف من الهجره النبویه المصطفویه علیه الألف التحیه و الثناء سنه ۱۲۹۳.

۸. تأویل از نظر مؤلف:

استاد امام ابوالقاسم قشیری میان ادیبان و عارفان تاریخ ادب و عرفان اسلامی، شاید نخستین کسی باشد که با تأویل اصطلاحات دستور زبان عربی (نحوی) به تأویل و تبیین راه سلوک، شرح پیوند روح و تن، چگونگی تربیت این دو و آزاد سازی روح پرداخته است. وی با تألیف رساله نحوالقلوب، روش تازه‌ای بنا نهاده که بعدها از آن تقلید شده است. به احتمال فراوان، به خدمت گرفتن این گونه تمثیل‌ها و تأویل‌ها و مقایسه آنها در جهت اندیشه و پیامی دینی، عرفانی و اخلاقی از مجالس شیوخ صوفیه و روحانیانی که بیشتر مخاطبان نشان مردم عامی و کم سواد بوده‌اند، شروع شده و رواج یافته است. «بیان رمزی لزوماً همواره با صور خیال همراه نیست و نقش تشدید تأثیر عاطفی را بر عهده ندارد، بلکه گاهی نیز وظیفه «ایضاح» معنی و نزدیک کردن آن را به افهام دارد.»^۲

۱. همان، ص ۴۳۴.

۲. پورنامداریان، تقی، رمز و داستان‌های رمزی، تهران: علمی و فرهنگی، دوم، ۱۳۶۷، ص ۲۸.

شاید قصد نهایی استاد امام قشیری در تأویل اصول و قواعد نحو عربی به مراحل سلوک و مراتب کمال عرفانی و تعریف تصوف و اصطلاحات آن، همین مسئله «ایضاح» معنی بوده است. «ابوالقاسم قشیری گفته است: «قلب محل معارف است. عقل اگر چه آلت معرفت است، اما از معرفت حقایق پنهانی عاجز است»^۱.

«علم قلوب» در مقابل «علم عقول» از زمان حارث محاسبی (۲۴۳ - ۲۶۵ هـ) عنوان شد. ابو نصر سراج (۳۷۸ هـ وفات) صاحب کتاب اللمع، علم ارباب قلوب را علم باطن و علم اهل ظاهر را علم ظاهر خوانده است.^۲

«تأکید صوفیه بر «علم قلب» تا آنجا رسیده بود که دیگر نه فیلسوف عقل‌گرای چون ابن‌سینا می‌توانست نسبت به آن بی‌اعتنا باشد و نه فقیه متکلم مجادله جوی بزرگی چون امام محمد غزالی (۴۵۰ - ۵۰۵ هـ).^۳ خلق و انشای آثاری چون رساله‌ی نحوالقلوب به دست استاد امام ابوالقاسم قشیری، انگیزه‌ای جز تقویت مفاهیم والای روحانی (= علم قلب) به کمک اصطلاحات محسوس و مأنوس علم عقل (اصطلاحات نحوی)، در ذهن رهروان طریق عرفان نداشته است.

استاد قشیری با بهره جویی از اصطلاحاتی که طالب علم عقل در کتاب‌های درسی آن زمان آموخته، بر آن بوده تا سالک از همان آغاز راه علم آموزی، با تأویلات باطنی آشنا گردد و از همان ابتدای سلوک، مذهب خود را از مذهب ظاهر پرستان جدا کند و دریابد که اگر در این پوسته و ظاهر توطن کند، به حقیقت علم یعنی «علم قلب»، دست نیافته است.

۹. برخی از فصول کتاب با تأویلات عرفانی:

مقدمه

[نحو زبان و نحو قلب]

«مقدمه: نحو در لغت «قصد» است ... همان‌طور که «نحو» راه و روش «سخن گفتن» صحیح است؛ بنابراین «نحو قلب» گرایش قلب است به «سخن پسندیده» و نجوا با پرودگار است به زبان دل. «نحو قلب» دو گونه است: منادات و مناجات؛ منادات خاص عابدان است و مناجات صفت واجدان. اهل منادا بر درگاهند و اهل مناجات بر بساط قرب الهی و از [مواهب] مقام قرب او بهره مند می‌گردند»^۴

۱. همان، ص ۳۷.

۲. همان، ص ۳۷ و ۳۸.

۳. همان، ص ۳۹.

۴. قشیری، نحوالقلوب، ص ۴۲.

فصل ۲

[کلام مفید و نطق قلب]

«کلام مفید در نحو ظاهری، یا از ترکیب دو اسم است یا از ترکیب اسم و فعل. اما در نطق قلب، نطق یا مفید است یا غیر مفید؛ نطق مفید آن است که برای خدا باشد یا از خدا بشنوی یا خداوند مخاطب شما شود، به جز این دو نوع، دیگر نطق‌ها لغو است و مفید نیست...»^۱

فصل ۴

[انواع اعراب قالبی و قلبی]

«اعراب ظاهری چهار است: رفع و نصب و خفض و جزم. اعراب قلوب به شرح زیر است: رفع قلوب به این است که قلب خود را از [خواهش‌های] دنیا دور کنی، که این صفت زاهدان است... و اما نصب قلوب به پا داشتن بدن است بر بساط وفاق، پس قرار دادن قلب است در محل شهود با سکوت کامل، آن‌گاه قرار دادن «دل» است در برابر حق، بی‌توجه به غیر و زدودن قلب است از پریشانی و پراکندگی... و اما خفض قلوب عبارت است از درک حیا و شرم در برابر خدا و مداومت ترس و ذلت و کوچک شمردن خود در برابر حق و تلاش بر گمنامی و استمرار در خشوع و رها کردن نفس است در میدان‌های جهاد... و اما جزم قلوب عبارت است از «بریدن» و آن است که [عارف] از علایق دل بکند و حجاب‌ها را پاره کند و در سایه احکام حقیقی، بدون اخلال در آداب شریعت، آرامش یابد...»^۲

فصل ۵

[بنای ظاهر و باطنی]

«بنا در نحو، چهار قسم است: ضمه، فتحه، کسره و سکون؛ بر زبان اهل حقیقت برای باطن انواع بنا به شرح زیر است: ضم، اسرار نگهداشتن است از اغیار؛ و فتحه قلوب، پاک کرن قلب است از غم‌ها با کلیدهای غیبی؛ و کسره قلوب، سجود قلب است به هنگام شهود و دیدار ناگهانی؛ و سکون بواطن، سکون درون است به همراه حق با انس مداوم با او در همه احوال»^۳

فصل ۱۰

[جمع سالم و مکسر]

«جمع بر دو قسم است: سالم و مکسر. جمع در اصطلاح صوفیه نیز بر دو قسم است: یکی آن که

۱. همان، ص ۴۵.

۲. همان، ص ۴۹ - ۵۱.

۳. همان، ص ۵۳ و ۵۴.

صاحبش سالم است و او کسی است که در هنگام غلبه «جمع»، تکلیف را رعایت می‌کند. دیگر آن که صاحبش مکسر است و او آن است که آداب احکام را رعایت نمی‌کند... تفاوت میان اقسام جمع در نحو و اقسام آن در نحوالقلوب این است که در مسایل نحوی، هر دو را می‌توان جمع نامید؛ اما در نحوالقلوب یکی وادی هوشیاری است و دیگری وادی بی‌هوشی.

جمع سالم آن است که لفظ واحد در آن سالم می‌ماند. همین‌طور جمع عرفانی سالم در این طریقت آن است که عقل در آن از شبهه به دور است و فعل از بدعت و نفس از شهوت و قلب از غفلت و غیبت و درون از حجاب [مصون ماند]»^۱.

فصل ۱۷

[اسم مبتدا، صدر خطاب]

«شرط مبتدا آن است که مبنای خبر باشد و از آن خبر داده باشد و از عوامل لفظی خالی باشد...؛ پس هرگاه عامل لفظی در مبتدا عمل نکند، مبتدا در صدر کلام می‌نشیند. همین‌گونه هر کس که از تأثیر مطامع دور باشد و شهوات و خواسته‌های نفسانی در او مؤثر نیفتد، تقدّم و صدارت او در امان است و هر کس که اسیر خواهش‌ها و تمایلات باشد، عقب می‌افتد و در آخر صف قرار خواهد گرفت»^۲.

فصل ۲۳

[اعراب فاعل، استحقاق برتری]

«فاعل مرفوع است و گفته شده علت رفع در فاعل، مشابهت آن است با مبتدا...؛ در معنای عرفانی نیز بلندی و رفعت از آن خداوند - تعالی - است؛ زیرا فاعل حقیقی اوست و غیر او هیچ کس قدرت بر فعل ندارد. همه کارها با او آغاز می‌شود، پس او اول و سابق است و بلندی و عظمت از آن اوست»^۳.

فصل ۲۴

[اعراب مفعول، مردم مخلوق اند]

«مفعول منصوب است و نصب سبک‌تر از رفع است و رتبه مفعول، از فاعل پایین‌تر است؛ بنابراین به ضعیف‌ترین حرکات مخصوص شده است؛ همین‌طور مخلوقات، همه مفعول فعل خدایند و همه ناقص و عاجزند، زیرا آن‌ها تحت تسلط قدرت او در قبضه قدرت اویند. شعر: بر تلخی درد صبور باش، زیرا تو برای تحمّل قضای الهی آفریده شده‌ای»^۴.

۱. همان، ص ۶۳.

۲. همان، ص ۷۶ - ۷۷.

۳. همان، ص ۸۶.

۴. همان، ص ۸۷.

فصل ۳۱

[فعل مضارع مرفوع است، شباهت در کارها]

«فعل مضارع به دلیل شباهت به اسم، مرفوع است و اصل در پذیرش اعراب، اسم است؛ در مقام عرفانی نیز هر کس شباهت به قومی برساند، از آن‌ها محسوب می‌شود و هر کس که گروهی را دوست بدارد، با آن‌ها محشور خواهد شد. شیوخ [صوفیه] گفته‌اند: "مجالست با کسانی که از روی تشبیه به قومی از آن‌ها پیروی می‌شود، موجب شقاوت نیست"، همچنین شیوخ گفته‌اند: "کسی که به حالتی برسد، حال و وصف او در کسی که در کنار اوست، تأثیری ندارد".^۱

فصل ۳۳

[فعل امر، سکون اشاره بر دوام]

«[فعل] امر مبنی بر سکون است؛ مانند: اذْهَبْ و نهی مجزوم است؛ مانند لا تَفْعَلْ؛ سکون به دوام و پایداری اشاره دارد، همچنان که حرکت عین زوال است. امر بر وجوب و لزوم دلالت می‌کند و نهی مجزوم است. همان‌گونه که با نهی امر می‌شوی، نهی تو را از تمایل به چیزی باز می‌دارد و تو از آنچه نهی شده‌ای، رو گردان می‌شوی. جواب امر و نهی «سکوت» یا اطاعت محض است؛ زیرا مأمور و نهی شده، زبان اعتراض ندارد و شأن و مرتبه‌ای جز تسلیم و التزام به مقتضای امر و نهی ندارد؛ پس معارضه با امر و نهی برای ایشان مردود است و جز فرمانبری و خضوع، حقی ندارند».^۲

فصل ۴۵

[اسم منفی به لا، غایت حزن]

«اسم منفی به لا، مبنی بر فتح است؛ زیرا لا نقیض اِنَّ است... این حکم در احوال عرفا نیز جاری است که نهایت حزن، موجب فرح است و نهایت سرور، موجب اندوه می‌گردد و غایت هجران، ترک حقیقت دوستی است و ... گفته‌اند: یعقوب (ع) چون یوسف (ع) را دید، گریست. به او گفتند: چرا گریه می‌کنی؟ گفت: آن گریه از اندوه جدایی بود و این از شادمانی دیدار است».^۳

۱. همان، ص ۹۷.

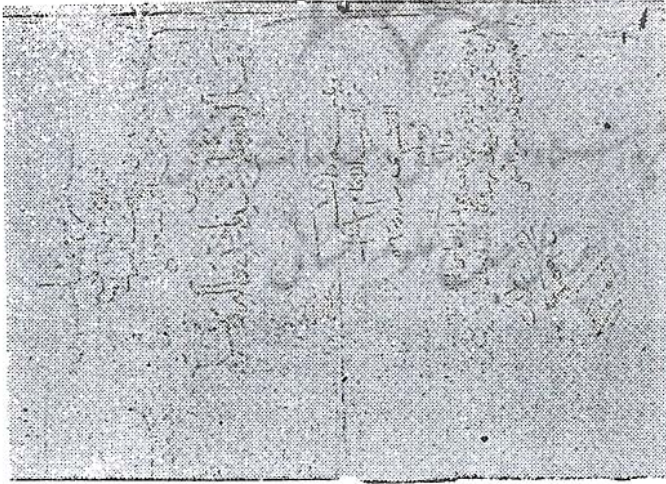
۲. همان، ص ۱۰۰.

۳. همان، ص ۱۱۸ و ۱۱۹. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. قشیری، نحوالقولوب.

نحوالقلوب، رساله‌ای در تأویل اصطلاحات عرفانی ابوالقاسم قشیری / علی محمد پشت‌دار

مَحَرِّ القلوبِ بِالعقْبِ
نَهْجِ
لِلامامِ زَيْنِ العِسمِ الكَرِيمِ القَشِيرِيِّ
سَادَةٌ مَحْمَدَةٌ لَمَّا ظَهَرَ لَهُ بِأَخْبَرِ العِرْفَانِ لِأَيُّوبِ الكَلْبِيِّ وَرِوَايَاتِهِ
الدكتور
تحقيق وشرح ودراسة
الدكتور
أحمد صبحي طه بيوتني
استاذ بكلية الآداب جامعة عين شمس
استاذ بكلية دار العلوم جامعة القاهرة
الطبعة الأولى
القاهرة
١٩٩٤م - ١٤١٤م

تصوير روی جلد نحوالقلوب، چاپ قاهره كه با علامت اختصاری (نسا) مشخص شده است.



صفحة اول نسخة كتابخانه طلعت (تركيب)

پیام بهارستان / ٣٥، س ٣، ش ١٢ / تابستان ١٣٩٥

للهجة ترتب القالين ومثواته على سبب توالي الحركات
فان اولها داء الميم مراً اكثر من غيره
الفيدري فثمة انه الضوء القصد الال كلام ينال
خوت فثمة انه الضوء القصد الال كلام ينال
محمد القبول بالبر وحميد الغل فثمة الال كلام ينال
وتمنع دغالي الماراه والما جاء فالما داه وشمه القاري
والمالي صنف الواحد من والما داه على اناك والما داه
على ساط الرب فثمة القابل ابواب الميريه وتميز الال
سباغ الزمير فثمة الخلاص من دغالي القبول بالبر
دوبه نحو السب الال مراهه وقل ما كان من الله
والرؤف يا حشش بادهم جوحصمتوا وحشش بالقل
بنيتي لثمة وكم ان الرب اذا دخل في الال
ادحشش القف والحنين اذ غيره لا وصف نزي هو القام
والله وحده ان الرب هو الله وهو القام
الواحد من الرب يا اوج الفقا اكم الف

وانه
وهو على الفيدري
وغيره على الفيدري
وانه

وغيره
وغيره

الميم
القلوب
والله وحده ان الرب هو الله وهو القام

والله ووقع انقلب الفقا لوماء او جملها لقب
الاسم واللمن وفضل ويكفون اذهم في القلوب
ياكون محترمة في مخالفة التي وتقل بالادوية
سنة متخلصة التمدخ اللين والزود فثمة الهام
تقل القف فثمة الال كلام ينال بل ان الال
اواسها وانها لا وانها من الال كلام ينال بل ان الال
بالسنه والميريه اما ايض من القلي لونا بحلبيه القف
وفاثراة طصو والميريه ايض ما داه على الال او ان
لبى الشمس او ان عميا زوق الشمس حدهم
القسم القام وفي الميخ القافي اذ يمدحه فثم ان المام
المطاب الزوي هو مستد وفض الال كلام ينال
وسنى بالخراب بهر امر الال كلام ينال
اذا حترية او يتكوب او حترية والسا ان الال كلام ينال
القطر لسا حترية او يتكوب او حترية في القلوب
اخر القلوب وتقل الال الال كلام ينال
او قال ان فيها الحشش من الفقا والواحد اعترى عند

وغيره عند الفيدري

مقدمة نسخة كتابخانه طلعت (توكبه) كه با علامت اختصاری (ط) مشخص شده است.

واجب الاشارة كذلك التام من مبتدئ بيده ولا يكون له بدت
 غيره ثم ان الله به خير له عليه طوبى المخلصين وتبع عليه طوبى
 شهيد الحق سبحانه وان الله به سوار تعالى العتق فصل اذا جردت
 اسم ال اسم في خبره ياء مشددة واول اول مجاهدا وتعرف الثانية
 فوز في القسب الصريح من ت و الك ع ح ر ي وكذلك حروفه واولها الميز
 يمتنع بالنسب اليه وهو يترك في خبره وانبسب اليه واولها التثنية التي
 اذا كان بينهما اخفاص للاشارة بحسب اطلاق كل ال ما اذا نسبنا
 كان على طريق التباينسب الى الدنيا فقال فلان بنسبت ضيفه
 الدنيا وان كان العالم عليه الاخر فيسب الى الاخره فصفه كالأخره
 كذلك جميع ما هو ان الله عليه فليترك على الريف فده فصل الجمع
 فخرج من الجمع وتخرج مخرج الكثير وانما الجمع كثر وكذا اذا كان
 الجمع ناقرا كقولنا لا شيء ان زرع وامثال الجمع ثم يجوز ان يجمع باسم
 الاشارة كقولنا بجمل غصون طرية مشددة فمن كان صفاته
 رضاه وصغيره فجمع الغليل وان كان انضاه مشددة فجمع الكثرة
 وباشارة حكمة اخلاقه فلهذا وهو غلامه وقد اعلم كقولنا وكلمه

الجمع والابن فلان من قوله من قوله هذه الرسالة واعلم
 عزوف من شذوذا لالكلام مشددة فلهذا وتعرف

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع

وقانا ان هذا لا يترك من قوله التثنية
 المصطفوية على الاون
 القرة التثنية
 قلة كالم

صفحة آخر نسخة استاد فروزانقر

سال تحریر: ۲۱ شوال ۱۲۹۳ هـ ق

نحو القلوب

سوره آل عمران

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين وصلواته على نبيتنا محمد واله وحجبه اجتهاد
الاسماء والاداءات والاصناف والاشياء والاصناف والاشياء والاصناف
ان حوزة النبوة حقاقتها عليه صلى الله عليه واله وسلم
في الخبرين من جهة واحدة وهذا الخبر من جهة واحدة
الاولى الكلام في قوله تعالى والذات والذات والذات

الوجه الثاني
في قوله تعالى

من الله والحروف في القلوب والاصناف والاصناف والاصناف

فنا وكذا ان حوزة النبوة والاصناف والاصناف والاصناف
[۲] فاصناف النبوة والاصناف والاصناف والاصناف

صناعات الذوات وكان من الحروف ما يجب لتفصيل الكلام والاصناف والاصناف

اصناف النبوة والاصناف والاصناف والاصناف والاصناف والاصناف

عنوانه في غايات النبوة والاصناف والاصناف والاصناف والاصناف

بان ما من حروف في القلوب والاصناف والاصناف والاصناف والاصناف

اسماء واداءات والاصناف والاصناف والاصناف والاصناف والاصناف

نقطاً ما

فانصبت كما ان الكلام ما جمع من الحروف والاصناف والاصناف والاصناف

۱۰ عبارة من الصواعق فمما هو النبوة والاصناف والاصناف والاصناف

من الالفاظ والاصناف والاصناف والاصناف والاصناف والاصناف

مبني في الحروف والاصناف والاصناف والاصناف والاصناف والاصناف

خلفه بالانباء ان النبوة والاصناف والاصناف والاصناف والاصناف

نظمه في القلوب والاصناف والاصناف والاصناف والاصناف والاصناف

۱۵ ما في غايات النبوة والاصناف والاصناف والاصناف والاصناف

صفحة اول نسخه استاد فروزانفر كه با علامت اختصاری (ن) مشخص شده است.